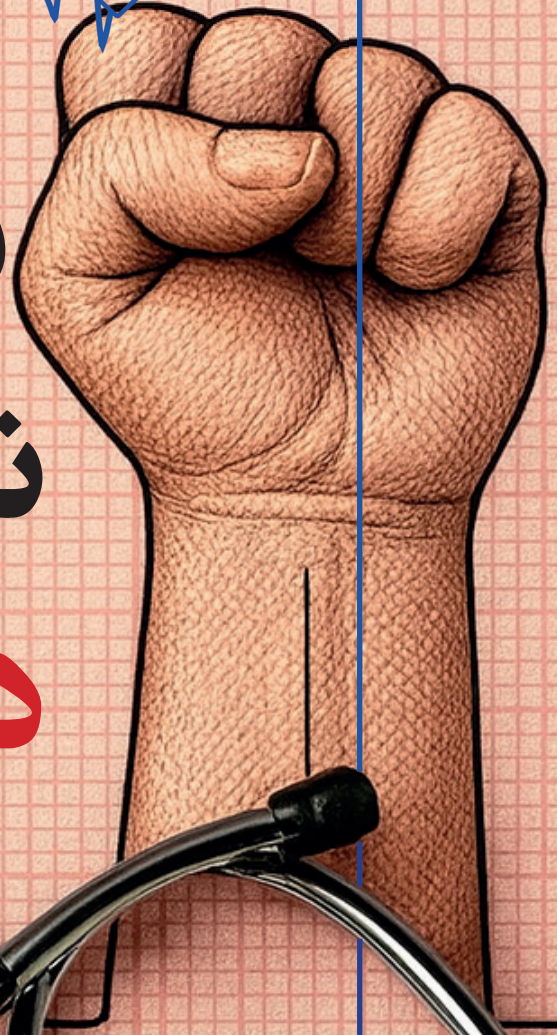
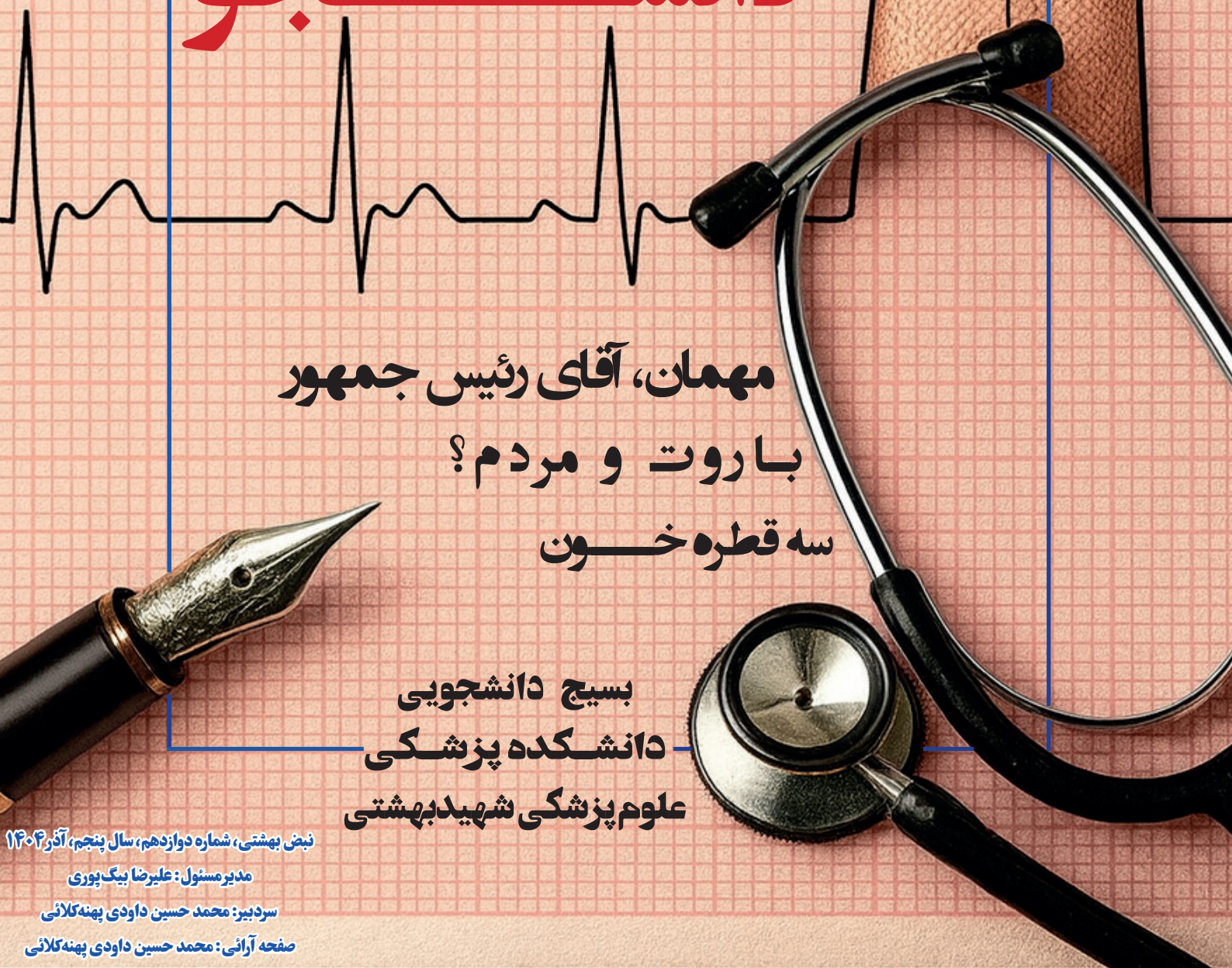


نشریه دانشجویی «نبض بهشتی»
سال پنجم - ویژه نامه ۱۶ آذر - آذر ۱۴۰۴

شانزده آذر، نبضِ مطالبه دانشجو



مهمان، آقای رئیس جمهور
باروت و مردم؟
سه قطره خون

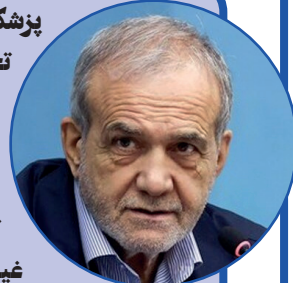


بسیج دانشجویی
دانشکده پزشکی
علوم پزشکی شهید بهشتی

نبض بهشتی، شماره دوازدهم، سال پنجم، آذر ۱۴۰۴
مدیر مسئول: علیرضا بیگ پوری
سر دبیر: محمد حسین داودی پهنه کلائی
صفحه آرایی: محمد حسین داودی پهنه کلائی

مهمان، آقای رئیس

پزشکیان، حتی پیش از ۱۶ آذر، در مراسم آغاز سال تحصیلی در دانشگاه تهران، با اعتراض دانشجویی مبنی بر عدم تخصیص تریبون مواجه شد. او در یک اقدام نمادین و غیرمنتظره، از جایگاه سخنرانی خود پایین آمد و به دانشجوی معترض تریبون داد. این حرکت، یک سیگنال قدرتمند غیرکلامی مبنی بر تحمل بالا و نفی نخبه‌گرایی بود که او را از سلف خود متمایز می‌ساخت. در ۱۶ آذر ۱۴۰۳، پزشکیان در دانشگاه صنعتی شریف (که به دلیل اهمیت مسائل نخبگان و مهاجرت، دانشگاهی کلیدی است) حضور یافت. این مراسم با رویکرد «گوش دادن رادیکال» طراحی شد: رئیس جمهور دو ساعت به سخنان ۱۳ نفر از نمایندگان دانشجویی گوش داد و بیش از ۸۰۰ پیامک حاوی دغدغه‌های دانشجویان را در قالب یک کتابچه دریافت کرد.



روحانی با حضور بی‌دری در سه سال اول ریاست جمهوری خود (که یک رکورد در تاریخ روسای جمهور پس از انقلاب بود)، به سرعت حضور رئیس جمهور در ۱۶ آذر را به یک هنجار نهادی مورد انتظار بازگرداند. در اولین مراسم ۱۶ آذر با حضور حسن روحانی، رئیس دولت تدبیر و امید در واکنش به برخی شعارهای دانشجویان که مطالبه وعده‌های انتخاباتی وی بود یادآور شد که

و اما، امروز

با حضور رئیس جمهور دکتر پزشکیان برای اولین بار در ۱۶ آذر در یک دانشگاه علوم پزشکی، باید دید این انتخاب چه اهمیتی از منظر گفتمان سازی در تاریخچه ۱۶ آذر دارد. تحلیل‌هایی که ممکن است در این دیدار به آن برخورد شامل چند محور است. تکرار این دیدگاه که «دانشگاه خانه دکتر پزشکیان است» و راه برون رفت از مشکلات کشور (مانند بحران آب، محیط زیست و اقتصاد) از دانشگاه می‌گذرد؛ پاسخ به دغدغه‌های معیشتی و ناعدالتی‌ها، به ویژه در خصوص یارانه‌های پنهان و ناکارآمدی‌های ساختاری که وی پیش تر به آن‌ها اشاره کرده است؛ رویکرد دولت در تعامل با دنیا و مسئله تحریم‌ها، و مسائلی از بن قبیله از محورهای احتمالی گفت و گو خواهد بود. باید دید آیا این دیدار از دیدارهای قبلی متفاوت خواهد بود یا در ابعادی بیش از آنچه فکر می‌کنیم با یکدیگر شبیه خواهند بود.



دولت شهید رئیسی با نگاهی راهبردی و حلال مسئله، دانشگاه را به عنوان اتاق فکر و کانون اثرگذاری در خدمت پیشرفت کشور و حل چالش‌های ملی تعریف کرد. ایشان با اهتمامی ویژه در مراسم‌های دانشگاهی مانند ۱۶ آذر حضور یافته و بر تقویت پیوند دانشگاه و دولت تأکید داشتند. در این نگاه، دانشگاهیان به عنوان نخبگان و مشاوران فکری، در راستای اهداف عالی نظام و حل مسائل اساسی مانند اشتغال و توسعه متوازن ملی نقش آفرینی می‌کنند. شهید رئیسی با بهره‌گیری از نیروهای جوان و دانش آموخته برتر در دولت، بر تعامل سازنده و همافزایی با دانشگاه تأکید داشتند و مرز روشنی میان نقش آفرینی سازنده دانشگاه و سیاست‌زدگی مخرب ترسیم کردند. این دیدگاه، تقابلی با توسعه سیاسی ندارد، بلکه آن را در چارچوب اصول نظام و منافع ملی معنا می‌بخشد.

سجده

ما نیاز به بردباری و صبر و تحمل داریم. در تاریخ (۱۸ آذر ۱۳۹۸) او در یک جلسه با دانشجویان در دانشگاه فرهنگیان شرکت کرد. روحانی در سخنرانی خود عمدتاً به توجیه عملکرد دولت در موضوعات اقتصادی و بین‌المللی پرداخت و سعی کرد مسئولیت برخی مشکلات را به گردن تحریم‌های آمریکا و کارشناسی‌های داخلی بیندازد. او همچنین بر اهمیت آزادی بیان در دانشگاه‌ها تأکید کرد، که با توجه به فضای بسته آن مراسم، با واکنش منفی برخی رسانه‌ها مواجه شد.



با آغاز دولت سید محمد خاتمی، که با شعار توسعه سیاسی بر سر کار آمده بود، ۱۶ آذر جایگاه خود را به عنوان یک رویداد سیاسی کلیدی باز یافت. خاتمی در پنج سال از هشت سال ریاست جمهوری خود در این مراسم شرکت کرد و بدین ترتیب، حضور رئیس‌جمهور در دانشگاه در روز دانشجوی به یک هنجار نهادی تبدیل شد. اما آزمون واقعی این دوران، در آخرین ۱۶ آذر ریاست جمهوری خاتمی، در سال ۱۳۸۳ در دانشکده فنی دانشگاه تهران رقم خورد. در این مراسم، خاتمی نه تنها با نقد مخالفان، بلکه با انتقادات صریح و بعضاً خصمانه از سوی طیف‌های رادیکال پایگاه اجتماعی خود مواجه شد. دانشجویانی که انتظارات فراتری از اصلاحات داشتند، او را متهم به کم‌کاری و حتی خیانت کردند و فضای سالن به حدی ملتهب شد که بارها خاتمی را «هو» کردند. در واکنش به این رفتار، خاتمی ناراحت شد و خطاب به دانشجویان گفت: «این خلاف دموکراسی است این چه وضعی است که ایجاد کرده‌اید، مگر شما چند نفر هستید که هو می‌کنید؟ کاری نکنید که بگوییم بیرونتان کنند، آدم باشید، گوش بدهید و تحمل کنید!»

احمدی‌نژاد در طول هشت سال ریاست جمهوری، تنها دو بار در مراسم ۱۶ آذر حضور یافت. یکی از معدود حضورهای او در سال ۱۳۸۵ در دانشگاه امیرکبیر انجام شد که به صورت یک سخنرانی در فضای باز و با حضور دانشجویان بود.



مدتی نژاد در گفتمان خود، نقش دانشجویان را از یک منتقد ساختاری یک مبارز انقلابی تغییر داد. او سابقه فعالیت دانشجویی خود را سال‌های پیش از انقلاب (مبارزه با رژیم طاغوت) و پس از انقلاب تشکیل انجمن‌های اسلامی و دفتر تحکیم وحدت) تعریف کرد و دوگانه مبارزه فیزیکی با رژیم سلطنت و مبارزه فکری با «فرهنگ پزدگی و مارکسیستی» تأکید ورزید. در این چارچوب، دانشجویان بی‌فیه داشت هویت انقلابی و اسلامی خود را حفظ کند. این بیانات، کانون توجه ۱۶ آذر را از نقد داخلی و پاسخگویی دولتی، به بی‌مبارزات استکبارستیزانه (ضد امپریالیسم) سوق داد.

در دهه‌های ابتدایی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، به ویژه در دوران جنگ تحمیلی و سپس دوره سازندگی (دولت هاشمی رفسنجانی)، تمرکز دولت بر توسعه اقتصادی و بازسازی بود و ۱۶ آذر تا حد زیادی به حاشیه رانده شد. در راستای تعدیل روایی-سیاسی دانشگاه، هاشمی رفسنجانی ترجیح می‌داد به جای حضور در مراسم پرچالشی ۱۶ آذر، در ۲۷ آذر که به عنوان روز وحدت حوزه و دانشگاه (به یاد شهید آیت‌الله دکتر مفتح) نامگذاری شده بود، در دانشکده الهیات حضور یابد. این اقدام نهادی، تلاشی بود برای جابجایی کانون توجه از یک نماد سیاسی متولد از تقابل با استکبار، به سوی یک نماد معنایی که بر همگرایی و هم‌راستایی حوزه و دانشگاه (پیوند طلبه و دانشجو) تأکید داشت.



انتخاب دانشگاه میزبان نیز بازتاب دهنده اولویت‌های سیاسی هر دولت است. دانشگاه تهران، با توجه به ریشه تاریخی و نمادگرایی سیاسی ۱۶ آذر، اغلب محل نمایش قدرت سیاسی و گفتمان‌های مختلف سیاسی بوده است. در مقابل، دانشگاه صنعتی شریف، به عنوان مرکز نخبگان فنی، به پلتفرم برای بحث در مورد چالش‌های فن‌سالارانه، اقتصاد، مهاجرت نخبگان، و کارآفرینی تبدیل شده است. حضور رؤسای جمهور در شریف (مانند روحانی، رئیسه و پزشک‌های) اغلب با هدف کسب مشروعیت فنی و تأکید بر قدرت علمی کشور صورت گرفته است.

پاروت یا پرورد؟

امنیت و رفاه عمومی یک انتخاب ساده نبود، بلکه یک چالش واقعی بود. آیا می توان برای حفظ امنیت سرمایه گذاری کرد و در عین حال به مسائل معیشتی مردم بی توجه بود؟ آیا تاریخ این امکان را به ما می دهد که همزمان هم امنیت کشور را تأمین کنیم و هم به رفاه مردم بیندیشیم؟ این پرسش ها و چالش ها همواره در تاریخ ما حضور داشته اند. از دوران نادرشاه، که همچنان سکان دار لشکرکشی های بزرگ بود اما در عین حال از مشکلات داخلی نیز غافل نبود، تا قاجاریه و حتی در برهه های مختلف معاصر، ما با انتخاب های سختی روبرو بوده ایم. سازش با قدرتهای بزرگ در دوران قاجار و تحمیل معاهدات ناپسند، همچنان در زمره تجربیات تلخ ملی محسوب می شود. تاریخ در این زمینه به ما می آموزد که چگونه می توان در شرایط خطرناک سربلند باقی ماند و از تجارب تلخ گذشته باید بیاموزیم تا از تکرار اشتباهات جلوگیری کنیم. به طور کلی، تاریخ ایران پر از درس های آموزنده ای است که می تواند به ماکمک کند تا در شرایط کنونی و آینده، بهتر تصمیم بگیریم و با هوشمندی بیشتری به سمت پیشرفت حرکت کنیم. آموختن از آنچه در گذشته اتفاق افتاده، به ما این امکان را می دهد تا هرگاه با بحران ها و چالش ها روبرو شدیم، از تجربیات موفق و شکست ها استفاده کنیم و روندی بهتر برای آینده مان ترسیم کنیم.

ملیکا نظارت، مهر ۱۴۰۰

وی حتی به اروپای غربی سفر کرد و دانشجویانی را برای یادگیری شیوه های جدید نظامی به فرانسه فرستاد. با این حال، این تصمیمات در سهرایی نیز به همراه داشت؛ چرا که برای تأمین هزینه های این سرمایه گذاری ها، گاهی مجبور به کاهش منابع اقتصادی برای مردم می شد. آن زمان، مردم با چالش های اقتصادی و معیشتی مواجه بودند و این سیاست ها بعضاً فشار بیشتری بر روی زندگی روزمره آنها می آورد. به نقل از برخی منابع، اقتصاد کشاورزی نیز تحت تأثیر این سیاست ها دچار مشکل شده و کشاورزان در فشار مالی قرار گرفتند. از طرف دیگر، عباس میرزا تلاش کرد تا با تشکیل اتحاد های نظامی و دیپلماتی، حامیانی برای خود پیدا کند. او نامه هایی به حکومت های همسایه و همچنین قدرتهای اروپایی نوشت تا از آنان یاری بخواهد و با همکاری آنها به مقابله با روس ها بپردازد. به ویژه، فرستادن نامه به امپراتوری عثمانی و انگلیس به نشانه ارادش برای ایجاد ائتلاف، نشان دهنده استراتژی دیرینه ایرانیان برای برقراری وحدت در برابر دشمن مشترک است. اما متأسفانه، این تلاش ها همیشه به نتایج مورد انتظار نمی رسید و او با خیانت و عدم وفاداری برخی از این متحدان نیز روبرو بود. به عنوان مثال، در خلال جنگ ها، انگلیسی ها به نفع روس ها عمل کردند و این به ایران ضربه ی بزرگی زد. نکته قابل توجه این است که در آن دوران، انتخاب میان

تاریخ تکرار می شود؛ روش های نجات کشور هم تکرار می شوند. زمانی که به تاریخ پرفراز و نشیب ایران نگاه می کنیم، متوجه می شویم که تاریخ یک داستان تکراری از چالش ها و تصمیمات سرنوشت ساز است. تاریخ مانند یک آینه است که صورت ماضی را به ما نشان می دهد و ما را به تأمل وامی دارد. آیا از تجارب گذشته درس گرفته ایم یا با چشمانی بسته به سمت آینده حرکت می کنیم؟ یکی از آموزنده و در عین حال دشوارترین دوره های تاریخ ما، زمان عباس میرزا، ولیعهد قاجار است. در قرن نوزدهم، ایران بین دو قدرت بزرگ، یعنی روسیه و بریتانیا، قرار داشت و تهدیدات خارجی چاره ای جز تقویت نظامی برای کشور باقی نمی گذاشت. جنگ های ایران و روس، به مراتب، نه تنها امنیت ملی، بلکه تمامیت ارضی کشور را به خطر انداخته بود. با توافقی نامه های گلستان (۱۸۱۳) و ترکمنچای (۱۸۲۸)، بخش هایی از خاک ایران به تصرف روسیه درآمد و این شکست ها ضربه های سخت به غرور ملی و اعتبار حکومت قاجار وارد کرد. در این شرایط پرتنش، عباس میرزا با چالش های بزرگی دست و پنجه نرم می کرد. او به خوبی می دانست که برای نجات کشور از خطرات بیرونی، نیاز به تقویت زیرساخت های نظامی احساس می شود. بنابراین، در اقدامی جسورانه، تصمیم به سرمایه گذاری در صنایع نظامی از جمله باروت سازی و توپ سازی گرفت.

به قطره خون

ایران زمین، همان گوهر گران بهایی بود که این سترگان دانشجو با جان خویش از آن حراست کردند؛ تا مباد ادست های ناپاک بیگانگان و خیل مهاجمان، این سرای نیمه جان را آماج لگدکوب خود سازند و کرامت ملی یامال را چکه های آجانبی گردد. اما حکایت آنجا تلخ و جان کاه می شود که تنها دور و ز پس از این ضایعه هولناک، محفل جشنی در همان آغوش دانشگاه تهران برپا می گردد و به معاون رئیس جمهور وقت آمریکا، ریچارد نیکسون، درجه دکتری افتخاری حقوق اعطای می شود. و نیکسون، گویی که هیچ خون پاکی هرگز بر کف آن دانشگاه نریخته باشد، بی توجه و آسوده، بر همان بستری که هنوز به خون آغشته بود، قدم می نهد. این روایت تلخ و جان سوز پایان می یابد؛ اما یادتان گرامی باد، ای دانشجویان ایران ساز، ای وارثان آن خون های مطهر! روزتان مبارک و راهتان پربرو باد!

مریم قبادی ملکشاهی، بهمن ۱۴۰۲

دانشجویان رسید. به همین دلیل، دانشجویان در شانزدهم آذرماه سال ۱۳۳۲ در محوطه دانشگاه تهران تجمع کرده و به سردادن شعار پرداختند. بیشتر دانشجویان هم از رشته های فنی، پزشکی، داروسازی و حقوق هستند. حکومت وقت این اقدام را تحمل نکرد و نیروهای نظامی را در دانشگاه مستقر ساخت تا دانشجویان را سرکوب نمایند. در این میان، سه تن از دانشجویان دانشکده فنی، دانشجویان تهران به نام های مهدی شریعت رضوی، احمد قندچی و مصطفی بزرگ نیا به شعار دادن مبادرت ورزیدند که با تیراندازی نظامیان مواجه شدند و به دلیل نرسیدن به موقع به مراکز درمانی، به شهادت رسیدند. هان، خون پاک دانشجویی که امید سازندگی و آبادانی این مریزوم بود، اکنون بر پهنه دانشگاه جاری گشته است. آری، استقلال و عزت

با توجه به اینکه هر ساله شانزدهم آذرماه به عنوان روز دانشجو گرامی داشته می شود، به بررسی علل و زمینه های تاریخی نام گذاری این روز می پردازیم. این رویداد به ماه های قبل و کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ بازمی گردد؛ کودتایی که به انحلال دولت ملی دکتر محمد مصدق با همکاری ایالات متحده آمریکا انجامید و شاه معدوم را به کشور بازگرداند تا قدرت مطلق را دوباره در دست گیرد. دکتر مصدق در طول دوران نخست وزیری، روابط دولت ایران با انگلستان را قطع کرده بود و دست آن کشور از نفت ایران کوتاه شده بود. وی آمریکا را دوست می پنداشت و به آن اعتماد داشت، اما این اعتماد بی جا با براندازی دولت او توسط آمریکا پاسخ داده شد. در آن مقطع، با کنار رفتن مصدق، وضعیت تغییر کرده بود و فرصتی مناسب برای برقراری مجدد روابط بین ایالات متحده، انگلستان و ایران فراهم شد. این امر محقق شد و حدود یک سال بعد، قراردادی تحت عنوان کنسرسیوم منعقد گردید که بر اساس آن، هفت شرکت نفتی آمریکایی و اروپایی به مدت ۲۵ سال به عنوان شریک در استخراج و فروش نفت ایران حضور پیدا کردند. این قرارداد در سال ۱۳۵۲ نیز تمدید شد. در ادامه، خبر از سرگیری روابط ایران و انگلستان و از سوی دیگر، سفر ریچارد نیکسون، معاون وقت ریاست جمهوری آمریکا، به تهران به اطلاع